

The Role and Social Functions of Waqf in the Model of the New Islamic Civilization (A Study Based on the Supreme Leader's Views)

Ali mehrabi koshki*

Abstract

The institution of Waqf in Islamic tradition has historically been one of the most enduring popular mechanisms for organizing social life, generating social capital, and establishing structured cooperation networks. Over the past fourteen centuries, numerous social institutions in the Islamic world, ranging from schools and public centers to service and support complexes, have been established and stabilized through Waqf. Given the increasing significance of the concept of the 'New Islamic Civilization' in the thought of the Supreme Leader, a re-examination of the social role of Waqf has gained greater importance; this is because a key component of the New Islamic Civilization theory rests upon strengthening social cohesion, voluntary participation, public trust, and collective responsibility—components where Waqf has historically played a decisive role in organizing.

In this article, an attempt has been made to analyze the social functions of Waqf within the framework of the theory of the New Islamic Civilization, based on the views of the Supreme Leader. The main research question is: 'What social role does Waqf play in the thought of the Leader in achieving the requirements of the New Islamic Civilization?' To answer this, the article first re-examines the position of Waqf within the social structure of Islam, and then, based on the statements of the Supreme Leader, the social functions of Waqf are investigated in domains such as strengthening social capital, establishing cooperative institutions, enhancing mutual trust between the populace and governmental bodies, advancing public participation, and creating sustainable models of social responsibility.

The research findings indicate that Waqf, owing to its voluntary, public, and intergenerational nature, can be one of the most significant social capacities for realizing the New Islamic Civilization. The revitalization of its social functions—particularly in the form of institutionalization, social participation, and trust networks—can contribute to the formation of novel civilizational foundations in Islamic society.

Keywords: New Islamic Civilization; Waqf; Social Functions; Supreme Leader; Moqafāt (Endowed Properties).

دور ووظائف الأوقاف الاجتماعية في نموذج الحضارة الإسلامية الحديثة (دراسة تستند إلى وجهات نظر القيادة)

على مهربى كوشكى*

الخلاصة

لطالما شكّلت مؤسسة الوقف في التراث الإسلامي إحدى أكثر الآليات الشعبية ديمومةً لتنظيم الحياة الاجتماعية، وتنمية رأس المال الاجتماعي، وبناء شبكات تعاون منظمة. فعلى مدى القرون الأربعة عشر الماضية، أنشئت العديد من المؤسسات الاجتماعية في العالم الإسلامي، من مدارس ومراكز عامة إلى جماعات خدمية ودعمية، وتوطدت من خلال الأوقاف. بالنظر إلى الأهمية المتزايدة لمفهوم "الحضارة الإسلامية الحديثة" في فكر المرشد الأعلى، فقد أصبحت إعادة النظر في دور الأوقاف من منظور اجتماعي أكثر أهمية، لأن جزءاً أساسياً من نظرية الحضارة الإسلامية الحديثة يقوم على تعزيز التماسك الاجتماعي، والمشاركة الطوعية، والثقة العامة، والمسؤولية الجماعية؛ وهي مكونات لعبت الأوقاف دوراً حاسماً في تنظيمها عبر التاريخ.

تحاول هذه المقالة تحليل الوظائف الاجتماعية للأوقاف في إطار نظرية الحضارة الإسلامية المعاصرة من منظور المرشد الأعلى. والسؤال الرئيسي لهذا البحث هو: (ما الدور الاجتماعي الذي تؤديه الأوقاف في فكر القيادة في تلبية متطلبات الحضارة الإسلامية المعاصرة؟) وللإجابة على هذا السؤال، نستعرض أولاً مكانة الأوقاف في البنية الاجتماعية للإسلام، ثم ندرس، استناداً إلى أقوال المرشد الأعلى، الوظائف الاجتماعية للأوقاف في مجالات مثل تعزيز رأس المال الاجتماعي، وإنشاء مؤسسات تعاونية، وتعزيز الثقة المتبادلة بين الشعب والمؤسسات الحاكمة، وتنمية المشاركة الشعبية، وإرساء نماذج مستدامة للمسؤولية الاجتماعية.

تُظهر نتائج البحث أن الوقف، نظراً لطبيعته التطوعية والعامة والمتوارثة بين الأجيال، يمكن أن يكون أحد أهم القدرات الاجتماعية في تحقيق حضارة إسلامية جديدة، وأن إعادة خلق وظائفه الاجتماعية - وخاصة في شكل بناء المؤسسات والمشاركة الاجتماعية وشبكات الثقة - يمكن أن يساعد في تشكيل بني تحتية حضارية جديدة في المجتمع الإسلامي.

مصطلحات مفتاحية: الحضارة الإسلامية الحديثة؛ الأوقاف؛ الوظائف الاجتماعية؛ المرشد الأعلى؛ الأوقاف.

*. طالب دراسات عليا في علم الاجتماع السياسي بجامعة طهران

ali.mehrabiy@gmail.com

نقش و کارکردهای اجتماعی وقف در الگوی تمدن نوین اسلامی



علی مهربابی کوشکی*

چکیده

نهاد وقف در سنت اسلامی یکی از پایدارترین سازوکارهای مردمی در سازمان‌دهی زندگی اجتماعی، تولید سرمایه اجتماعی و ایجاد شبکه‌های همیاری ساخت‌یافته بوده است. در چهارده قرن گذشته، بسیاری از نهادهای اجتماعی جهان اسلام از مدارس و مراکز عمومی گرفته تا مجموعه‌های خدماتی و حمایتی به‌واسطه وقف ایجاد و تثبیت شده‌اند. با توجه به اهمیت روزافزون مفهوم «تمدن نوین اسلامی» در اندیشه مقام معظم رهبری، بازخوانی دوباره نقش وقف از منظر اجتماعی اهمیت بیشتری یافته است؛ زیرا بخش کلیدی نظریه تمدن نوین اسلامی بر تقویت انسجام اجتماعی، مشارکت داوطلبانه، اعتماد عمومی و مسئولیت‌پذیری جمعی استوار است؛ مولفه‌هایی که وقف در طول تاریخ در سامان‌دهی آنها نقشی تعیین‌کننده داشته است.

در این مقاله تلاش شده است کارکردهای اجتماعی وقف در چارچوب نظریه تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری تحلیل شود. پرسش اصلی این پژوهش آن است که: «وقف در اندیشه رهبری چه نقش اجتماعی‌ای در تحقق الزامات تمدن نوین اسلامی دارد؟» برای پاسخ‌گویی، ابتدا به بازخوانی جایگاه وقف در ساخت اجتماعی اسلام پرداخته شده و سپس بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، کارکردهای اجتماعی وقف در حوزه‌هایی همچون تقویت سرمایه اجتماعی، ایجاد نهادهای همیاری، ارتقای اعتماد متقابل میان مردم و نهادهای حاکمیتی، توسعه مشارکت مردمی و ایجاد الگوهای پایدار مسئولیت اجتماعی بررسی شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد وقف، با توجه به ماهیت داوطلبانه، عمومی و بین‌نسلی خود، می‌تواند یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی باشد و بازآفرینی کارکردهای اجتماعی آن - به‌ویژه در قالب نهادسازی، مشارکت اجتماعی و شبکه‌های اعتماد - می‌تواند به شکل‌گیری زیربناهای تمدنی نوین در جامعه اسلامی کمک کند.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی؛ وقف؛ کارکردهای اجتماعی؛ مقام معظم رهبری؛ موقوفات.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تهران
ali.mehrabay@gmail.com



مقدمه

در سال‌های اخیر، توجه به مفهوم «تمدن نوین اسلامی» به یکی از محورهای اصلی پژوهش‌های حوزه علوم اسلامی، مطالعات تمدنی و اندیشه اجتماعی تبدیل شده است. این توجه از آن رو اهمیت دارد که طرح مفهوم تمدن نوین اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری نه یک ایده نظری انتزاعی، بلکه نوعی نقشه راه برای آینده جامعه اسلامی است. از این منظر، مسئله اصلی دیگر صرفاً شناخت گذشته تمدن اسلامی نیست، بلکه طراحی و بنیان‌گذاری دوباره تمدنی است که بتواند نیازها، پیچیدگی‌ها و اقتضائات دنیای معاصر را پاسخ دهد. به همین دلیل، در کنار مباحث نظری درباره ماهیت تمدن نوین اسلامی، پرسش از ابزارها، نهادها و ظرفیت‌های لازم برای تحقق این تمدن نیز بیش از پیش مطرح شده است.

یکی از نکات مهم در تحلیل نظریه تمدن نوین اسلامی آن است که این تمدن، بر خلاف روایت‌های تاریخی که اغلب پسینی و توصیفی‌اند، مفهومی پیشینی و آینده‌ساز است. یعنی ما با تمدنی مواجه نیستیم که شکل گرفته باشد و اکنون بخواهیم آن را تحلیل کنیم؛ بلکه با طرحی مواجهیم که باید ساخته شود. این مسئله باعث می‌شود که ضرورت شناسایی ظرفیت‌های تمدن‌ساز، به‌ویژه ظرفیت‌های برخاسته از متن جامعه، اهمیت بیشتری پیدا کند. مقام معظم رهبری مکرراً تأکید کرده‌اند که دولت به تنهایی قادر به ساختن تمدن نیست و حرکت تمدنی بدون مشارکت مردم و فعال شدن نهادهای مردمی و هنجاری امکان‌پذیر نیست.

در همین نقطه است که نهاد وقف اهمیت کلیدی پیدا می‌کند. وقف در طول تاریخ اسلام یکی از محوری‌ترین نهادهای اجتماعی بوده است؛ نهادی که هم از دل دین برآمده و هم با نیازهای اجتماعی جامعه اسلامی پیوند خورده است. برخلاف برخی تصورات تقلیل‌گرایانه که وقف را صرفاً یک سنت خیریه فردی می‌دانند، بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد وقف در جهان اسلام نوعی سازوکار اجتماعی گسترده و پایدار برای تولید انسجام، همیاری، اعتماد و مشارکت بوده است. اگر بخش بزرگی از نهادهای آموزشی، درمانی، خدمات عمومی و حتی زیرساخت‌های شهری در دوره‌های مختلف اسلامی از طریق وقف شکل گرفته، دلیل آن ماهیت عمیقاً اجتماعی و شبکه‌ساز این سنت است.

از این منظر، بازخوانی وقف در چارچوب نظریه تمدن نوین اسلامی ضروری است؛ زیرا تمدن در نهایت مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی، سبک‌های هم‌زیستی، الگوهای مشارکت و شبکه‌های اعتماد است. اگر تمدنی بخواهد شکل بگیرد، باید در سطح جامعه ریشه بدواند و نهادهایی پدید آورد که مردم آنها را از خود بدانند و در تداوم آنها مشارکت کنند. وقف دقیقاً چنین نقشی داشته است و می‌تواند

در دوره کنونی نیز با بازتعریف و بازآفرینی کارکردهای اجتماعی خود به یکی از ستون‌های تمدن نوین اسلامی تبدیل شود.

پرسش اصلی مقاله حاضر دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود: وقف در اندیشه مقام معظم رهبری چه نقش اجتماعی‌ای در تحقق تمدن نوین اسلامی دارد؟ این پرسش اهمیت مضاعف می‌یابد؛ زیرا در بیانات رهبری، یکی از پایه‌های اصلی تمدن‌سازی، تقویت روحیه همیاری، اعتماد عمومی، مشارکت داوطلبانه و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. این عناصر دقیقاً همان مولفه‌هایی‌اند که وقف به‌طور طبیعی و تاریخی تولید می‌کند. وقف بر پایه نیت خیر، مشارکت داوطلبانه، خروج دارایی از مالکیت فردی به‌سوی منفعت عمومی و تداوم نسلی بنا شده است. هر یک از این عناصر، خود یک «ابزار تولید سرمایه اجتماعی» محسوب می‌شود.

بخشی از این ظرفیت اجتماعی در قالب نهادسازی بروز پیدا می‌کند. وقف در گذشته توانسته است نهادهایی ایجاد کند که هم خدمات اجتماعی ارائه می‌کرده‌اند و هم در شکل‌دهی به هویت اجتماعی مسلمانان نقش داشته‌اند. مدارس وقفی، بیمارستان‌های وقفی، دارالایتام‌ها، آب‌انبارها، مراکز عام‌المنفعه و مراکز رفاهی نمونه‌هایی از این نهادسازی اجتماعی‌اند. اهمیت این نهادها فقط در کارکرد خدماتی آنها نیست، بلکه در اعتماد، مشارکت و احساس هم‌سرنوشت بودن مردم با یکدیگر است که این نهادها ایجاد می‌کردند. این نوع نهادسازی اجتماعی یکی از نیازهای اساسی تمدن نوین اسلامی نیز هست؛ زیرا بدون شکل‌گیری نهادهای مردمی پایدار، هیچ تمدنی نمی‌تواند دوام بیاورد.

از سوی دیگر، وقف سازوکار مؤثری برای ایجاد «شبکه‌های اعتماد» در جامعه است. سنت وقف بر پایه اعتماد شکل می‌گیرد: اعتماد واقف به جامعه، اعتماد جامعه به متولیان، و اعتماد نسل‌های آینده به سنتی که از گذشته به آنها رسیده است. چنین چرخه‌ای از اعتماد متقابل، به‌ویژه در دوره‌های بحران اجتماعی، یکی از سرمایه‌های نادر و ارزشمند جوامع اسلامی بوده است. مطالعات جدید در حوزه سرمایه اجتماعی نیز تأکید می‌کنند که اعتماد اجتماعی، یکی از پایه‌های اصلی توسعه و پیشرفت اجتماعی است؛ و همین عنصر نقشی کلیدی در نظریه تمدن نوین اسلامی دارد.

یکی دیگر از ابعاد اجتماعی وقف که در چارچوب تمدن نوین اسلامی اهمیت می‌یابد، «مشارکت داوطلبانه» است. تمدن اسلامی نه یک پروژه صرفاً حکومتی، بلکه یک حرکت مردمی است؛ و مشارکت داوطلبانه، دقیقاً همان عنصر پیشران این حرکت است. وقف، با تکیه بر انتخاب آزاد و عمل داوطلبانه، سازوکاری است که مردم از طریق آن در ساخت جامعه و آینده خود نقش ایفا می‌کنند. این نقش‌آفرینی، حس مسئولیت اجتماعی را تقویت می‌کند و جامعه را از حالت منفعل به کنش‌گر تبدیل می‌سازد.

با توجه به این زمینه نظری، مقاله حاضر بر آن است تا با تحلیل بیانات مقام معظم رهبری و با اتکا



به مفهوم تمدن نوین اسلامی، نقش اجتماعی وقف را از منظرهای مختلف بررسی کند. هدف نهایی پژوهش آن است که نشان دهد چگونه می‌توان از ظرفیت‌های اجتماعی وقف در دوره کنونی برای تقویت انسجام اجتماعی، مشارکت مردمی و شبکه‌های اعتماد بهره گرفت و آن را به موتور محرکه‌ای برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی تبدیل کرد.

۱. پیشینه پژوهش

مطالعات مرتبط با «تمدن نوین اسلامی» و نقش نهاد وقف در تحقق آن، در سال‌های اخیر گسترش قابل‌توجهی یافته است. با این حال، بخش مهمی از این آثار همچنان به مباحث کلان تمدنی پرداخته و کمتر به تحلیل ظرفیت‌های نهادی و اجتماعی وقف در تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر رهبری توجه کرده‌اند. مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که نیاز به پژوهش‌های تخصصی‌تر درباره پیوند وقف با الزامات اجتماعی تمدن نوین اسلامی همچنان محسوس است.

الف) کتاب‌ها

یکی از نخستین تلاش‌ها در این حوزه، کتاب «آرمان تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری» (۱۳۸۴) است که گردآوری نظام‌مند بیانات ایشان تا سال ۱۳۷۴ در موضوع تمدن نوین اسلامی را ارائه می‌دهد. هرچند این اثر فاقد تحلیل انتقادی است، اما مجموعه‌ای جامع از مضامین تمدنی در منظومه فکری رهبری فراهم کرده است.

کتاب «فلسفه تمدن نوین اسلامی» (غلامی، ۱۳۹۶) از منظر نظری به چیستی تمدن، ضرورت‌های تمدن نوین اسلامی، مؤلفه‌ها و مراحل تحقق آن پرداخته و بر نقش انسان، هویت، علم و فناوری در پیشبرد این پروژه تأکید دارد.

در کتاب «درس‌گفتار تمدن نوین اسلامی» (جهانبین، ۱۳۹۸)، مباحث ساختاری‌تری درباره معناشناسی تمدن، نسبت فرهنگ و تمدن، مراحل پنج‌گانه تحقق تمدن نوین اسلامی و بررسی تطبیقی برخی کشورهای مدعی تمدن‌سازی ارائه شده است.

مجموعه «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی» (۱۳۹۸) نیز با ارائه ۶۴ مقاله علمی، ابعاد مختلف بیانیه گام دوم را از منظر تمدنی بررسی کرده و راهکارهایی برای تحقق توصیه‌های بیانیه مطرح ساخته است.

کتاب «جستارهای نظری در باب تمدن اسلامی» (متولی امامی، ۱۳۹۴) با رویکردی میان‌رشته‌ای، به تعریف تمدن، نقش مردم در تمدن‌سازی و لزوم بهره‌گیری از فقه در تحقق تمدن نوین اسلامی پرداخته است.

علاوه بر این آثار، کتاب «نهادینه‌سازی وقف در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی» (ابوالحسن ماهروی، ۱۴۰۲) نیز به‌طور مستقیم به پیوند وقف با مسائل اجتماعی پرداخته است. نویسنده در این اثر با رویکردی جامعه‌شناختی، ابتدا انواع آسیب‌های اجتماعی را بررسی می‌کند و سپس نشان می‌دهد که وقف، در صورت سازمان‌دهی کارآمد، می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از آسیب‌هایی چون فقر، فروپاشی خانواده، آسیب‌های تربیتی و آسیب‌های فرهنگی ایفا کند. اهمیت این کتاب در آن است که با تمرکز بر ظرفیت‌های اجتماعی وقف، یکی از خلأهای مهم ادبیات تمدن نوین اسلامی را تا حدی پوشش می‌دهد.

ب) پایان‌نامه‌ها

در سطح دانشگاهی نیز پایان‌نامه‌های قابل توجهی تولید شده است.

پایان‌نامه «بررسی و نقد نقش تفسیر علمی در احیاء و شکوفایی تمدن نوین اسلامی» (رفیعی، ۱۳۹۶) با تکیه بر روش تفسیر علمی-تجربی، امکان استخراج راهکارهای تمدنی از آیات قرآن کریم را بررسی کرده است.

در پایان‌نامه «تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری» (کل‌گچی، ۱۳۹۶)، نویسنده به مفهوم‌یابی، الزامات تحقق و نقش کارگزاران نظام اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین از منظر رهبری پرداخته است.

پژوهش «نقش دولت در تمدن‌سازی نوین اسلامی» (امینی، ۱۳۹۴) با تحلیل جایگاه دولت اسلامی، نقش سیاست‌گذاری و مدیریت حکومتی را در تحقق تمدن مدنظر رهبری بررسی کرده است.

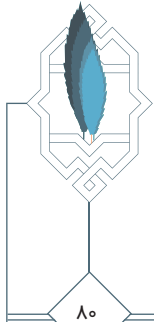
در پایان‌نامه «سنخ‌شناسی دیدگاه‌های رایج متفکران معاصر ایرانی» (کیخا، ۱۳۹۶)، دیدگاه‌های تمدنی متفکران معاصر و به‌ویژه اندیشه تمدنی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای با رویکرد تطبیقی تحلیل شده است.

پ) مقالات علمی

در میان مقالات علمی، مقاله «اقتضائات تحقق تمدن نوین اسلامی» (ملاشاهی، ۱۳۹۴) نقش اخلاق، عقلانیت و معنویت را در فرایند تمدن‌سازی بررسی کرده است.

مقاله «مؤلفه‌های نیل به تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امامین انقلاب و قانون اساسی» (رجبی‌دوانی و خزایی، ۱۳۹۶) عقل‌گرایی، عدالت‌خواهی و علم‌محوری را به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی تمدن نوین اسلامی معرفی کرده است.

در مقاله «الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی» (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۵)، الزامات تمدنی در سه محور دانش، نگرش و توانش و در دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دسته‌بندی شده است.



ت) پژوهش‌های مرتبط با نهاد وقف در نسبت با تمدن نوین اسلامی تا چند سال اخیر، پژوهش‌های اندکی به طور مستقیم به نقش وقف در ایجاد تمدن نوین اسلامی پرداخته بودند. در این میان، دو مقاله منتشرشده از رساله حاضر، از مهم‌ترین پژوهش‌های موجود در این زمینه است:

«بررسی کارکردهای سیاسی نهاد وقف در ایجاد تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری»

این مقاله ظرفیت‌های وقف را در تقویت پشتوانه سیاسی تمدن نوین اسلامی بررسی کرده و نشان داده است که وقف چگونه می‌تواند در تقویت مشارکت سیاسی، مشروعیت نظام اسلامی و استقلال ساختارهای اجتماعی نقش داشته باشد.

«کارکردهای فرهنگی نهاد وقف در ایجاد تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه مقام معظم رهبری» این پژوهش با تحلیل محتوای بیانات رهبری، ظرفیت‌های فرهنگی وقف را در زمینه‌هایی چون هویت‌سازی، تربیت نیروی انسانی و تولید زیرساخت‌های فرهنگی تحلیل کرده و نشان داده است که وقف می‌تواند مقدمه‌ای برای تحول تمدنی در حوزه فرهنگ باشد.

مرور آثار نشان می‌دهد که بخش عمده ادبیات موجود بر مبنای نظری تمدن نوین اسلامی، مراحل تحقق آن و الزامات کلان تمرکز دارد. همچنین، در حالی که وقف یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی-کارنامه‌ای تمدنی در تاریخ اسلام-به‌شمار می‌رود، کمتر پژوهشی به تحلیل نقش آن در تحقق اجتماعی تمدن نوین اسلامی پرداخته است. کتاب ماهروی (۱۴۰۲) گرچه ارتباط مستقیمی با نظریه تمدن نوین اسلامی ندارد، اما ظرفیت اجتماعی وقف را در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نشان می‌دهد و به‌طور غیرمستقیم پیوندهایی با الزامات اجتماعی تمدن‌سازی فراهم می‌سازد.

پژوهش حاضر با تمرکز بر کارکردهای اجتماعی نهاد وقف و تحلیل آن بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری، به دنبال پرکردن این خلأ و تبیین نقش وقف در تحقق الگوی اجتماعی تمدن نوین اسلامی است.

۲. کارکردهای وقف در ایجاد و گسترش رفاه اجتماعی در تمدن نوین اسلامی

۲. کارکردهای وقف در ایجاد و گسترش رفاه اجتماعی در تمدن نوین اسلامی، به مجموعه نقش‌هایی اشاره دارد که نهاد وقف به‌عنوان یک سازوکار مردمی، پایدار و دینی در ارتقای کیفیت زندگی جامعه ایفا می‌کند. وقف از طریق تأمین خدمات عمومی مانند آموزش، سلامت، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، کاهش فاصله طبقاتی، ایجاد فرصت‌های برابر و برطرف کردن نیازهای اساسی مردم، نوعی «رفاه

اجتماعی عادلانه» را تولید می‌کند؛ رفاهی که بر عدالت، معنویت و کرامت انسانی تکیه دارد. در اندیشه مقام معظم رهبری، رفاه اجتماعی مطلوب تمدن نوین اسلامی زمانی محقق می‌شود که مردم در متن حل مسائل اجتماعی قرار گیرند و ظرفیت‌های مردمی فعال شود؛ و وقف دقیقاً همین نقش را دارد: تبدیل دارایی‌های فردی به سرمایه عمومی و ایجاد یک شبکه پایدار خدمات اجتماعی که بار سنگینی از دوش دولت برمی‌دارد و جامعه را به سمت پیشرفت عادلانه پیش می‌برد.

۲-۱. اجتماعی بودن دین اسلام

اسلام از بنیاد، دینی اجتماعی، پویا و مبتنی بر حیات جمعی انسان‌هاست؛ دینی که احکام و تشریحات آن نه تنها برای رشد فرد، بلکه برای ساخت «جامعه صالح» و پردازش مناسبات اجتماعی مطلوب آمده است. بسیاری از اعمال عبادی در اسلام- از نماز جماعت و نماز جمعه گرفته تا حج- به صورت جمعی تشریح شده‌اند تا روح تعاون، انسجام و هم‌افزایی اجتماعی در میان مسلمانان تقویت شود. در همین چارچوب، وقف نیز به عنوان یک نهاد اصیل اسلامی، مصداق برجسته‌ای از کنش اجتماعی-جمعی محسوب می‌شود؛ نهادی که از دل جامعه می‌جوشد، با نیازهای مردم شکل می‌گیرد و برای رفع نیازهای مشترک آنان تداوم می‌یابد. گستره کارکردهای وقف در طول تاریخ اسلام نشان می‌دهد که این نهاد توانایی دارد متناسب با شرایط هر عصر، خدمات اجتماعی و رفاهی مورد نیاز جامعه را بازتولید و پایدار کند.

در این میان، جامعه‌ای که قرار است «الگوی تمدن نوین اسلامی» باشد، باید واجد ویژگی‌هایی اجتماعی و اخلاقی باشد که آن را از جامعه مصرفی، منفعل یا نابرابر متمایز سازد. این جامعه نیازمند برنامه‌ریزی، کنش جمعی و تقویت مستمر عناصر عدالت، همکاری و رشد استعدادها و توانایی‌های انسان است. در تبیین چنین جامعه‌ای، بنیان‌های اجتماعی تمدن مطلوب را این‌گونه ترسیم می‌کنند: «ارتباط مردم با یکدیگر، باید ارتباطات سالم، قوی و نشان‌دهنده‌ی پیشرفت و شکوفایی باشد؛ باید استعدادها در آن جامعه بشکفت. همه‌ی انسانها بتوانند در آن با توان خداداده‌ی خود در پیشبرد اهداف زندگی، به یکدیگر کمک و با هم همکاری کنند. در آن جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان بودن همه‌ی برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصت‌هاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند.»^۱

این بیان، اساس نگاه اجتماعی رهبر انقلاب را آشکار می‌کند: عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی نه بر «برابری نتایج»، بلکه بر «برابری فرصت‌ها» استوار است؛ یعنی جامعه باید به گونه‌ای سازمان‌دهی شود

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۸۵/۰۸/۲۰ در دیدار با مردم شاهرود



که همه مردم بتوانند با ظرفیت‌های الهی خود رشد کنند. نهاد وقف، دقیقاً با همین منطق عمل می‌کند؛ زیرا وقف، سرمایه‌های خصوصی را به فرصت‌های عمومی تبدیل می‌سازد و دسترسی طبقات مختلف جامعه به آموزش، سلامت، خدمات رفاهی و حمایت اجتماعی را گسترده می‌کند. به تعبیر دیگر، وقف یکی از ابزارهای پایدار تولید عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی است؛ ابزاری که می‌تواند بخش مهمی از دغدغه رهبری درباره رفاه، پیشرفت و کاهش نابرابری را تحقق بخشد.

رهبر انقلاب در ادامه همین رویکرد، درباره ضرورت بهره‌مندی انسان‌ها از ظرفیت‌های موجود برای رسیدن به تمدن اسلامی می‌فرماید: «همه‌ی انسان‌ها باید از همه‌ی ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است، بهره‌مند شوند.»^۱ این سخن، در واقع تصویر کامل جامعه مطلوب تمدن نوین اسلامی است؛ جامعه‌ای که در آن هیچ استعداد انسانی معطل نمی‌ماند و هیچ‌کس از ظرفیت‌های رشد محروم نمی‌شود.

وقف، به دلیل ماهیت مردمی، انعطاف‌پذیر و عدالت‌محورش، یکی از مهم‌ترین سازوکارهایی است که می‌تواند این ایده تمدنی را عینیت ببخشد؛ یعنی با ایجاد فرصت‌های برابر، کاهش نابرابری‌ها و گسترش خدمات اجتماعی، زیرساخت‌های رفاه و عدالت اجتماعی را برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی فراهم سازد.

۲-۲. وقف و اجتماع

آثار اجتماعی وقف در تاریخ تمدن اسلامی نشان می‌دهد که این نهاد مردمی، یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تقویت ارزش‌های معنوی، اخلاقی و اجتماعی بوده است. وقف با ماهیت غیرانتفاعی و عام‌المنفعه‌اش، زمینه را برای افزایش گرایش جامعه به معنویت، تقویت همبستگی اجتماعی، ترویج اخلاق جمعی و ارتقای فرهنگ تعاون فراهم کرده است. پژوهش‌ها نیز تأکید می‌کنند که وقف، از دیرباز نقشی محوری در گسترش عدالت اجتماعی، پیشرفت فرهنگی و حتی استحکام حکومت اسلامی داشته است (ملایی‌پور و قرچه‌داغی، ۱۳۸۴: ۴۴).

بررسی وقف‌نامه‌های تاریخی ایران نشان می‌دهد که واقفان-اعم از پادشاهان، وزیران، نخبگان سیاسی و اقتصادی، و حتی افراد عادی دارای تمکن مالی-با وقف اموال خود در حوزه‌هایی مانند تأسیس مدارس، مساجد، کاروانسراها، پل‌ها، بیمارستان‌ها، حمام‌ها و جاده‌ها، عملاً ستون‌های رفاه اجتماعی را در جوامع مختلف بنا کرده‌اند. این موقوفات تاریخی، علاوه بر ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی، نقش مستقیمی در کاهش آسیب‌های اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی، دستگیری از فقرا و مسافران، و فراهم‌سازی خدمات عمومی برای همه اقشار جامعه داشته است.

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۸۵/۰۸/۲۰ در دیدار با مردم شاهرود

در دوره معاصر نیز ظرفیت وقف همچنان پابرجاست و حتی گسترده‌تر شده است. همکاری نهادهای دولتی، مشارکت سازمان‌های مردمی و تقویت ارتباط بین ارزش‌های دینی و نیازهای روزمره مردم موجب شده است که وقف به‌عنوان یک ابزار کارآمد برای ایجاد عدالت اجتماعی، افزایش سرمایه اجتماعی، تقویت انسجام و امنیت اجتماعی، گسترش ایثار و روحیه گذشت، معنویت‌گرایی، پایبندی دینی و حتی پرورش سرمایه انسانی عمل کند. این کارکردها همان عناصر بنیادینی هستند که در اندیشه مقام معظم رهبری، زیربنای تحقق تمدن نوین اسلامی به‌شمار می‌آیند (آجرلو و کوشکی، ۱۳۹۱: ۴).

در همین راستا، رهبری با تبیین جایگاه عدالت در جامعه اسلامی، آن را «محور برنامه‌ریزی و مدیریت» می‌داند. ایشان با تأکید بر وظیفه حکومت اسلامی در توزیع عادلانه امکانات، می‌فرماید: «عدالت یعنی امکاناتی که در کشور هست عادلانه و عادلانه تقسیم کنیم، نه عادلانه‌ی بی‌حساب‌و‌کتاب، و سعی کنیم همین امکانات را بیشتر کنیم تا به همه بیشتر برسد، نه به اینکه به قشر خاصی و دسته‌ی خاصی بیشتر برسد. این وظیفه از وظایف دولت اسلامی بود، این اساس کار شماست. عدالت را واقعاً محور همه‌ی برنامه‌ریزی‌های خودتان قرار دهید.»^۱

این بیان، اهمیت نقش وقف را دوچندان می‌کند؛ چراکه وقف به‌طور طبیعی یکی از مؤثرترین سازوکارهای مردمی توزیع عادلانه امکانات و ایجاد فرصت‌های برابر است. به‌همین دلیل، وقف می‌تواند به‌عنوان یک رکن پایدار در تحقق عدالت اجتماعی مورد نظر رهبری و در نهایت، در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی ایفای نقش کند.

۳-۲. خدمات اجتماعی وقف

نهاد وقف به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین نهادهای اجتماعی، اقتصادی در زمینه‌های مختلفی می‌تواند در جامعه‌ی اسلامی در ایجاد و گسترش رفاه اجتماعی نقش فعالی داشته باشد.

۳-۲-۱. از بین بردن فاصله طبقاتی

یکی از چالش‌های بنیادین در عرصه اجتماعی، مسئله «طبقات اجتماعی» و شکل‌گیری فاصله‌های طبقاتی است. وجود این فاصله‌ها، علاوه بر ایجاد احساس نابرابری و بی‌عدالتی، زمینه‌ساز بروز آسیب‌های متعدد اقتصادی، اخلاقی و فرهنگی می‌شود. هنگامی که فردی با تلاش فراوان همچنان قادر به تأمین حداقل‌های زندگی نباشد، احتمال لغزش او به سوی رفتارهای مجرمانه همچون سرقت، کلاهبرداری، خشونت یا سایر کنش‌های غیراخلاقی افزایش می‌یابد. از این رو، مدیریت عادلانه توزیع ثروت و جلوگیری از تعمیق شکاف طبقاتی، نه‌تنها مسئله‌ای اقتصادی، بلکه ضرورتی اجتماعی و تمدنی است.

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۶ در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت



مقام معظم رهبری نیز در تحلیل‌های خود، عدالت اجتماعی را بنیان عزت ملی و عامل استحکام جامعه اسلامی می‌داند و می‌فرماید: «با ایجاد عدالت و از بین رفتن تبعیض و ریشه‌کن شدن فقر، عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید.»^۱ همچنین یکی از شاخص‌های الگوی مطلوب جامعه اسلامی را «توسعه عدالت»، «کم شدن فاصله‌های طبقاتی» و «برداشته شدن نمونه‌ها و قله‌های اشرافی‌گری»^۲ معرفی می‌کند؛ زیرا جامعه‌ای که در آن نابرابری اقتصادی مزمن باشد، قابلیت الگو شدن و پیشرفت حقیقی را ندارد.

در نگاه رهبری، عدالت نه یک مفهوم تزئینی، بلکه معیار تشخیص «پیشرفت واقعی» از «پیشرفت ظاهری» است. ایشان هشدار می‌دهند که: «اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این به نظر ما با منطق اسلام، پیشرفت نیست... فاصله‌ی طبقاتی عمیق‌تر و شکاف طبقاتی بیشتر شده است؛ این پیشرفت نیست، این پیشرفت سطحی و ظاهری و بادکنکی است.»^۳ این تعبیر، در واقع نقدی جدی بر مدل تمدنی غرب است که رشد اقتصادی و تکنولوژیک را بدون عدالت اجتماعی دنبال می‌کند و نهایتاً به جامعه‌ای تبدیل می‌شود که رفاه در آن به‌طور ناعادلانه توزیع شده است.

رهبر انقلاب در ادامه با تأکید بر ماهیت تمدنی عدالت، آن را شرط اصلی هرگونه پیشرفت در الگوی تمدن نوین اسلامی می‌دانند. ایشان تصریح می‌کنند: «بنده بارها عرض کرده‌ام، معتقد نیستم به پیشرفت بدون عدالت... پیشرفت بدون عدالت همان نتیجه‌ای را خواهد داد که شما از تمدن پُر جلوه غرب امروز دارید مشاهده می‌کنید؛ این پیشرفت قطعاً بایستی همراه با عدالت باشد.»^۴ بر این اساس، عدالت اجتماعی در منظومه فکری رهبری صرفاً یک سیاست اقتصادی نیست؛ بلکه هسته مرکزی جامعه آرمانی و زیربنای تمدن اسلامی است.

اسلام برای رفع نابرابری و کاهش فاصله طبقاتی، نظامی چندلایه از سازوکارهای اقتصادی-اجتماعی را طراحی کرده است. بخشی از این نظام، واجبات مالی مانند «خمس» و «زکات» است که نوعی مالیات اجتماعی برای بازتوزیع ثروت به شمار می‌رود. اما در کنار این احکام، اسلام ابزاری داوطلبانه، مردمی و بسیار انعطاف‌پذیر به نام «وقف» را نیز پیش‌بینی کرده است؛ ابزاری که نه فقط در سطح توزیع ثروت، بلکه در سطح فراهم‌سازی فرصت‌های برابر اجتماعی-مثل آموزش، سلامت، رفاه عمومی، خدمات زیربنایی و حمایت از نیازمندان-عمل می‌کند.

وقف با تبدیل دارایی‌های فردی به سرمایه‌های پایدار اجتماعی، یکی از مؤثرترین مکانیسم‌های

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۱۲ در دیدار با کارگزاران نظام

۲. سخنرانی رهبری در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۱۱ در دیدار با اقشار مختلف مردم

۳. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۲ در اجتماع مردم اسفراین

۴. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۶ در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت

تمدنی برای کاهش شکاف طبقاتی، تقویت عدالت اجتماعی، تولید فرصت‌های برابر و ایجاد امنیت اجتماعی است؛ کارکردهایی که دقیقاً در امتداد اهداف کلان رهبری برای تحقق تمدن نوین اسلامی قرار دارند.

۳-۲-۲. وقف، خدمات آموزشی

جامعه‌ای که در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی گام برمی‌دارد و قصد دارد الگوی جدیدی را به بشریت عرضه کند، نیازمند تربیت نسلی است که ویژگی‌های ممتاز اخلاقی، علمی و رفتاری داشته باشد. رهبر معظم انقلاب در تبیین این ضرورت تمدنی، بر نقش «تربیت نسل پیشرو» تأکید کرده و می‌فرماید: «راه تحقق تمدن نوین اسلامی چیست؟ راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیتی... یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور؛ - البته خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم، اما این بایستی گسترش پیدا کند. چنین نسلی لازم داریم؛ بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد، انگیزه‌ی کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجه بکند.»^۱

این بیان به‌خوبی نشان می‌دهد که در منظومه فکری رهبری، آموزش و پرورش صرفاً یک بخش اداری از نظام اجتماعی نیست، بلکه زیرساخت تمدن‌سازی و ابزار اصلی برای احیای هویت تمدنی اسلام است. در چنین چارچوبی، نقش نهاد وقف برجسته‌تر می‌شود؛ نهادهی که طی قرون متمادی بخشی از مهم‌ترین خدمات آموزشی و تربیتی را برای جامعه اسلامی تأمین کرده است. وقف با ایجاد مدارس، کتابخانه‌ها، مراکز علمی و حمایت از تحصیل اقشار کم‌درآمد، بستری فراهم کرده است که همه طبقات - به‌ویژه طبقات پایین جامعه - بتوانند از فرصت‌های برابر آموزشی بهره‌مند شوند.

۳-۲-۳. وقف و تولید علم

در تاریخ بشریت کمتر دینی را می‌توان یافت که به اندازه اسلام بر ارزش دانش، منزلت عالمان و ضرورت توسعه علم تأکید کرده باشد. این اهتمام گسترده از همان آغاز بعثت، در آیات متعدد قرآن و احادیث فراوان معصومان تجلی یافته است. قرآن کریم بارها انسان‌ها را به تفکر، تدبیر در نشانه‌های عالم طبیعت، کاوش در اسرار خلقت و فهم حکمت الهی فراخوانده و به روشنی از برتری اهل علم و جایگاه والای آنان یاد کرده است. پیامبر اعظم نیز نه‌تنها در گفتار، بلکه در رفتار و سیاست‌گذاری‌های خود، آموزش و فراگیری دانش را برای مسلمانان به یک ضرورت و ارزش بنیادین تبدیل نمود. روایت مشهور پس از جنگ بدر که در آن پیامبر، آموزش سواد به کودکان مدینه را جایگزین پرداخت فدیه

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۲۸ د ردیدار با نخبگان علمی جوان



توسط اسیران کرد، گواه روشن این نگاه تمدنی است؛ نگاهی که علم را موتور پیشرفت و آزادی انسان می‌داند.

در حکمت اسلامی، عقل نیز به‌عنوان سرچشمه و بنیاد علم معرفی شده است. فیض کاشانی تأکید می‌کند که عقل ریشه معرفت و اساس تولید دانش است و نسبت علم به عقل همانند نسبت نور به خورشید یا بینایی به چشم است (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۹۳-۲۹۴). این پیوند عمیق میان عقلانیت، معرفت و رشد علمی، نشان می‌دهد که اسلام از ابتدا برنامه‌ریزی آموزشی و پرورش فکری را بخشی از مأموریت تمدنی خود قرار داده است؛ مأموریتی که بعدها در قالب نهادهای اجتماعی چون مدرسه، مسجد، بیت‌الحکمه و البته وقف‌های علمی و آموزشی تداوم یافت و زیرساخت‌های تمدن اسلامی را شکل داد.

پرورش اندیشه و تولید علم، یکی از بنیادی‌ترین ارکان هر تمدنی است و تمدن نوین اسلامی نیز بدون اتکا به یک «جامعه علمی»، امکان شکل‌گیری و استمرار نخواهد داشت. جامعه‌ای که می‌خواهد وارد عرصه تمدن‌سازی شود، پیش از هر چیز باید ساختارهای فکری، پژوهشی و آموزشی خود را تقویت کند و با جهل، بی‌سوادی و رکود علمی مبارزه نماید. تولید علم در این منظومه نه یک فعالیت تکمیلی، بلکه ضرورت حیاتی است؛ زیرا علم موتور تولید قدرت، ثروت و پیشرفت پایدار است. تا زمانی که جهان اسلام نتواند قابلیت‌های علمی و فناورانه مستقل و درخور تمدن را احیا کند، سخن گفتن از تحقق تمدن نوین اسلامی صرفاً یک آرزو خواهد بود.

مقام معظم رهبری در تبیین اصول تمدن‌سازی، دو عنصر اصلی را لازمه ایجاد یک تمدن اسلامی می‌داند: «تولید فکر» و «پرورش انسان»^۱. ایشان درباره گستره اندیشه اسلامی و ظرفیت بی‌پایان آن برای تولید فکر می‌فرمایند: «فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است؛ یک اقیانوس است... سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن - که از کتاب و سنت همه‌ی اینها استفاده می‌شود - کاری است که همگان باید بکنند... تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است»^۲.

این بیان نشان می‌دهد که تمدن نوین اسلامی باید ماهیت «اندیشه‌محور» داشته باشد و پاسخ‌های نو، متناسب با نیازهای روز، از منابع غنی معرفت اسلامی استخراج شود. رهبری بر این باورند که «اندیشه» جهت حرکت علمی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی جامعه را ترسیم می‌کند؛ بنابراین هرگونه تحول علمی باید همراه با تحول در فکر باشد. ایشان مجاهدت علمی را نوعی «سنگر» در مسیر

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴ در جمع اساتید، فضلا، طلاب حوزه ی علمیه قم در مدرسه ی فیضیه
۲. همان

الهی معرفی می‌کنند و «سنگر علم»^۱ را یکی از مهم‌ترین میدان‌های جهاد تمدنی می‌دانند. از نظر رهبر انقلاب، کلید اصلی تمدن‌سازی و قدرت‌یابی یک کشور، «علم و بر اثر علم، فناوری»^۲ است. به همین دلیل، دانش در نگاه ایشان «پایه تمدن» محسوب می‌شود. در یکی از بیانات مهم خود، توانایی ایران را در دستیابی به مرجعیت علمی جهان و نقش آن در ایجاد تمدن نوین اسلامی چنین تبیین می‌کنند: «ما می‌توانیم به قله‌های رفیع علمی برسیم؛ می‌توانیم مرجع علمی جهان بشویم... ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم.»^۳ این سخن نه یک شعار، بلکه طرحی از آینده مطلوبی است که علم در آن نقش زیربنایی دارد.

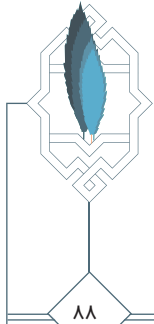
از سوی دیگر، رهبری تأکید می‌کنند علمی که محور تمدن نوین اسلامی است، باید همراه با اخلاق و معنویت باشد. ایشان می‌فرمایند: «ما در تمدن اسلامی... هدف گرفته‌ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم... ما می‌خواهیم علم با اخلاق پیش برود. دانشگاه همچنان که مرکز علم است، مرکز دین و معنویت هم باشد. متخرج دانشگاه‌های کشور، مثل متخرج حوزه‌های علمیه، دین‌دار بیرون بیاید.»^۴ این رویکرد، تفاوت بنیادین تمدن اسلامی با تمدن غرب را روشن می‌کند؛ تمدنی که علم را بدون اخلاق پیش برد و پیامدهای اخلاقی و انسانی آن بعدها آشکار شد.

در اندیشه رهبری، «تولید علم» تنها به معنای تکرار یافته‌های پیشین نیست، بلکه به معنای «شکستن مرزهای دانش» و فتح افق‌های تازه است. «این رویکرد، روح تمدن‌سازی را زنده می‌کند؛ چرا که تمدن بدون نوآوری، پویایی و خلق دانش جدید نمی‌تواند بقا داشته باشد.

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، توجه به علم یکی از بنیادی‌ترین ارکان نظریه تمدن نوین اسلامی است. با این حال، مراد از علم و تولید علم در این چارچوب صرفاً علوم دینی نیست؛ گرچه علوم دینی بسیاری از مسائل فکری و اجتماعی جامعه اسلامی را سامان می‌دهد، اما تمدن‌سازی نیازمند بهره‌گیری از همه ذخایر معرفتی بشری است. شتاب‌دادن به روند رشد علمی، بدون استفاده از دستاوردهای علمی تمدن‌های دیگر ممکن نیست، و بی‌تردید تعامل سنجیده با تجربه‌های علمی جهانی، بخشی از نقشه راه پیشرفت تمدنی محسوب می‌شود.

این نگاه فراگیر به علم، ریشه در سنت دینی نیز دارد. اسلام هرگز دانش را به مرزهای جغرافیایی یا فرهنگی جهان اسلام محدود نکرده است. حدیث مشهور «اطلب العلم ولو بالصین» (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۶۰) بیانگر آن است که ارزش علم بر منشأ آن مقدم است و مسلمان موظف است برای دستیابی به

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۸۳/۸/۱۱ دیدار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان
۲. بیانات رهبری در ۱۳۸۵/۸/۲۳ در دیدار با مسئولان انرژی اتمی و کارشناسان هسته ای
۳. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۹ در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی
۴. بیانات رهبری در ۱۳۷۶/۶/۱۹ در دیدار با جمعی از پرستاران
۵. بیانات رهبری در تاریخ ۹۱۳۹۲/۱۹ در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی



دانش-even در دورترین نقاط جهان-تلاش کند. در آموزه‌های اسلامی نیز هیچ نوع خاصی از دانش به طور انحصاری توصیه نشده، بلکه همه دانش‌ها-تا جایی که سودمند باشند-محترم و ارزشمند شمرده شده‌اند. پیامبر اکرم در حدیثی تصریح می‌کنند که هر کس دنیا را بخواهد باید به علم روی آورد، و هر کس آخرت را بخواهد نیز باید به علم روی آورد؛ و هر کس جمع میان دنیا و آخرت را می‌طلبد، باز هم باید مسیر علم‌آموزی را برگزیند (دارمی، ۱۴۰۸، ج: ۱، ۲۸). از سوی دیگر، فراگیری علم در اسلام مختص مردان نیست؛ روایت «طلب العلم فریضة علی کلّ مسلم» (کلینی، ۱۴۱۴، ج: ۱، ۳۶) به صراحت نشان می‌دهد که کسب دانش بر مرد و زن یکسان واجب است.

رسیدن به چنین چشم‌اندازی بدون برنامه‌ریزی نهادمند و دقیق ممکن نیست. یکی از مهم‌ترین ابزارها برای تحقق این مأموریت تمدنی، نهاد وقف است که می‌تواند با جهت‌دهی هدفمند و با برنامه‌ریزی بلندمدت، زیرساخت‌های علمی لازم را پشتیبانی و تقویت کند. وجود بیش از شش هزار و هشتصد موقوفه علمی، آموزشی و فرهنگی در ایران اسلامی (محمدی، ۱۳۹۶: ۱۵۷) سرمایه‌ای عظیم است؛ سرمایه‌ای که نه تنها می‌تواند در خدمت ایجاد تمدن نوین اسلامی قرار گیرد، بلکه تجربه‌های حاصل از این موقوفات می‌تواند الگوی طراحی و ایجاد وقف‌های جدید و کارآمدتر باشد. این ظرفیت بزرگ، اگر با مدیریت دانش‌بنیان و نگاهی تمدنی هدایت شود، قادر است نقشی تعیین‌کننده در ساختن آینده علمی جهان اسلام ایفا کند.

۳-۲-۴. وقف و پرورش انسان

در منظومه فکری مقام معظم رهبری، «پرورش انسان تراز تمدن اسلامی» از زیربنایی‌ترین عناصر شکل‌گیری و گسترش تمدن نوین اسلامی است. در این چارچوب، نخبه‌پروری جایگاهی کاملاً راهبردی دارد؛ زیرا تمدن‌سازی، بیش از هر چیز بر شانه‌های نیروهای با استعداد، متعهد و خلاق بنا می‌شود که قادرند مسیر آینده را با اندیشه نو و اقدام مؤثر تغییر دهند. به همین دلیل، رهبری در بیانات متعدد، جوانان نخبه را «موتور محرکه» حرکت تمدنی معرفی کرده و می‌فرماید: «موتور محرکه‌ی این حرکت هم نخبگان جوانند، شماها موتور محرکید. نخبه ارزش دارد.»^۱ این نگاه نشان می‌دهد که نقش نخبگان نه تزئینی است و نه صرفاً علمی؛ بلکه ستون اصلی پویایی و پیش‌روندگی تمدن نوین اسلامی است. در بیان دیگری، ایشان وجود نخبگان و سرمایه‌گذاری عملی بر ایشان را «فریضه» ای الهی و ملی دانسته و آن را شرط تبدیل ایران به کشوری پیشرفته و قدرتمند معرفی می‌کنند: «آنچه نگاه به نخبگان را به عنوان یک فریضه، به عنوان یک واجب غیرقابل اجتناب بر همه‌ی مسئولان لازم می‌کند، یک هدف بزرگ است... آن هدف عبارت است از تبدیل کشور ایران به کشوری پیشرفته، قدرتمند، شریف... صاحب

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۵/۰۸/۲۷ در دیدار با نخبگان علمی جوان

حرف نو در مسائل بشری و در مسائل بین‌المللی (...) و برافرازنده‌ی پرچم تمدن نوین اسلامی. ما یک چنین کشوری می‌خواهیم؛ هدف این است. «در این تعبیر، نخبه‌پروری نه یک برنامه عادی، بلکه راهبردی تمدنی برای شکل‌دادن به ایران قدرتمند و تمدن‌ساز آینده است.

از نگاه رهبری، ریشه اصلی پیشرفت و نوآوری در جامعه، آموزش و پرورش است؛ نهادی که به تعبیر ایشان محل تربیت «ثروت‌سازان آینده، علم‌سازان آینده، تمدن‌سازان آینده و مدیران آینده» است. ایشان می‌فرمایند: «اینجا دستگاهی است که هرچه شما هزینه کنید، به‌طور مضاعف دستاورد خواهید داشت... این‌جور نیست که ما خیال کنیم آموزش و پرورش فقط برای ما هزینه دارد؛ خیر، دستاوردهایی بزرگ‌تر از دستاوردهای آموزش و پرورش وجود ندارد... هرچه شما در سرتاسر کشور از جلوه‌های پیشرفت و دستاورد و ابتکار می‌بینید، ریشه‌ی آن اینجا است؛ اینجا را درست کنید تا همه‌جا درست بشود.»^۲ این سخن نشان می‌دهد که آموزش و پرورش به‌عنوان قلب تربیت انسان تمدن‌ساز، اگر به‌درستی سامان یابد، بنیان تمام عرصه‌های پیشرفت در کشور را استحکام می‌بخشد.

رهبری حتی حمایت از این نهاد را وظیفه‌ای فراگیر برای تمام دستگاه‌ها دانسته و تأکید می‌کنند که همه ارکان دولت باید پشتیبان آموزش و پرورش باشند.^۳ از این منظر، نهاد وقف که یکی از مؤثرترین و ریشه‌دارترین نهادهای اجتماعی در کشور است، می‌تواند سهمی ویژه در تقویت آموزش، تربیت نخبگان و آماده‌سازی نسل تمدن‌ساز داشته باشد. وقف با ظرفیت مالی، فرهنگی و تاریخی خود قادر است بخش مهمی از این بار سنگین تمدن‌سازی را بر دوش گیرد؛ مسئله‌ای که در ادامه پژوهش به‌طور تفصیلی به آن پرداخته خواهد شد.

۱. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۵/۰۷/۲۸ در دیدار نخبگان علمی جوان
۲. بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۱۷ در دیدار با معلمان و فرهنگیان سراسر کشور
۳. همان



نتیجه گیری

بررسی مجموعه مباحث این پژوهش نشان داد که نهاد وقف، در اندیشه مقام معظم رهبری، نه تنها یک سنت تاریخی یا سازوکار خیریه‌ای محدود نیست، بلکه یکی از پایه‌ای‌ترین ظرفیت‌های تمدنی برای شکل‌دادن به «تمدن نوین اسلامی» به‌شمار می‌رود. تمدن نوین اسلامی در نگاه رهبری ماهیتی عمیقاً اجتماعی دارد؛ یعنی بر عدالت اجتماعی، برابری فرصت‌ها، کرامت انسانی، مشارکت همگانی، تولید فکر، پرورش انسان و پیشرفت علمی استوار است. از این منظر، وقف به‌عنوان نهادی مردمی، خودجوش، پایدار و مبتنی بر ایمان، توانایی آن را دارد که بسیاری از نیازهای زیربنایی جامعه اسلامی را پوشش دهد و خلأهای ساختاری را بدون وابستگی به سازوکارهای دولتی جبران کند.

در این پژوهش روشن شد که وقف توان بالایی برای هماهنگ‌سازی با نیازهای روز دارد. اگر وقف از قالب‌های سنتی خارج شده و به‌صورت هدفمند، برنامه‌ریزی‌شده و متناسب با نیازهای واقعی جامعه هدایت شود، می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کلیدی برای تحقق عدالت آموزشی، دسترسی همگانی به خدمات سلامت، توسعه پژوهش‌های راهبردی و حمایت از نخبگان عمل کند. این تحول، خود نیازمند مدیریت هوشمندانه، شفافیت، سیاست‌گذاری علمی و بازسازی اعتماد عمومی است؛ امری که اگر محقق شود، ظرفیت‌های وقف می‌تواند به یکی از مهم‌ترین موتورهای تمدن‌سازی تبدیل گردد.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که وقف در نگاه رهبری یک «مؤلفه اجتماعی بنیادین» در تحقق تمدن نوین اسلامی است. این نهاد می‌تواند از طریق کاهش فقر، برقراری عدالت، توسعه رفاه اجتماعی، گسترش علم، تربیت انسان، تقویت انسجام اجتماعی و ایجاد زیرساخت‌های تولید قدرت، به شکل‌گیری جامعه‌ای پیشرفته، قدرتمند، اخلاقی و تمدن‌ساز کمک کند. تلفیق ایمان، مشارکت مردمی، سرمایه‌های فرهنگی و مدیریت علمی می‌تواند وقف را از یک سنت تاریخی به یک «نهاد تمدنی آینده‌ساز» تبدیل کند. نگاه رهبری نیز دقیقاً بر همین نقطه متمرکز است: استفاده از توان مردمی و دینی وقف برای ساختن آینده‌ای که در آن انسان مسلمان، با اخلاق، علم، عدالت و پیشرفت توأمان رشد کرده و تمدنی نوین را در جهان معاصر بنا کند.

کتاب‌نامه

- امینی، جواد (۱۳۹۴). «نقش دولت در تمدن سازی نوین اسلامی با تاکید بر اندیشه مقام معظم رهبری»، **پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی** دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین.
- آجرلو، اسماعیل، کوشکی، محمد صادق (۱۳۹۱). وقف نماد رشد انسانی ذر جامعه دینی، سایت راسخون.
- جهان بین، فرزاد (۱۳۹۸). **درس گفتار تمدن نوین اسلامی**، تهران: انتشارات آفتاب.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۴). **آرمان تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری**، تهران: مرکز حفظ و نشر اندیشه آیت الله خامنه‌ای.
- خزاعی، علی و محمد رضا خسروی و محمد حسین رجبی دوانی (۱۳۹۶). «مؤلفه‌های نیل به تمدن نوین اسلامی در آثار و اندیشه امامین انقلاب اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»: **فصل نامه مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی**؛ ۷(۲۹)، صص: ۳۶-۵۵.
- رفیعی، رضا (۱۳۹۶)، «بررسی و نقد نقش تفسیرعلمی در احیاء و شکوفایی تمدن نوین اسلامی»؛ **پایان نامه کارشناسی ارشد**؛ دانشگاه بین المللی امام خمینی.
- غفاری هاشجین، زاهد و حسن ناصری خاکی (۱۳۹۵). «زمینه‌ها و بایسته‌های تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر تمدن گرایان»؛ **مجله علوم سیاسی**، ۱۹(۷۵)، صص: ۶۱-۸۹.
- غلامی، رضا (۱۳۹۶). **فلسفه تمدن نوین اسلامی**، تهران: انتشارات سوره.
- فرمی‌پنی فراهانی، محسن (۱۳۹۵). «الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی»؛ **فصل نامه مطالعات ملی**، ۱۳(۱۷)، صص: ۱۰۳-۳۱.
- فیض کاشانی، محسن (۱۳۷۲). **راه روشن ترجمه الحله البیضا فی تهذیب الاحیاء**، ترجمه سید محمد صادق عارف، مشهد، آستان قدس رضوی .
- کل گچی، محمد اسماعیل (۱۳۹۶). «تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه کرمان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۴). **الکافی**؛ تهران: دار الإسلامیه.
- کیخا، رقیه (۱۳۹۶). «سنخ شناسی دیدگاه های رایج متفکران معاصر ایرانی در احیاء تمدن نوین اسلامی»، **پایان نامه کارشناسی ارشد** دانشگاه معارف اسلامی.
- ماهروی، ابوالحسن (۱۴۰۲). **نهادینه سازی وقف در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی**، تهران: شرکت چاپ و انتشارات.
- متولی امامی، سید محمد حسین (۱۳۹۴)، **جستارهای نظری در بابا تمدن اسلامی**، تهران: دفتر نشر معارف .
- محمدی، علی (۱۳۹۶). «نقش وقف در ایجاد و احیاء تمدن نوین اسلامی»، **فصل نامه وقف میراث جاویدان**؛ ۹۸-۹۷ (۲۸)، صص: ۱۳۱-۱۴۷.



• مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). *اسلام و نیازهای زمان*، تهران: انتشارات صدرا.

• ملایی پور قرجه داغی، جواد (۱۳۸۴). *وقف سرمایه ای ماندگار*، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

• مهربابی، علی؛ باقری، پیمان (۱۴۰۰). « بررسی کارکردهای سیاسی نهاد وقف در ایجاد تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری ». *فصلنامه وقف میراث جاویدان*، (۲۹)۱۱۵، صص: ۹۵-۱۱۲.

• مهربابی، علی؛ شریفی، مرضیه (۱۴۰۱). « کارکردهای فرهنگی در ایجاد تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه مقام معظم رهبری ». *فصلنامه وقف میراث جاویدان*، (۲۹)۱۱۵، صص: ۶۵-۸۶.

سخنرانی‌ها

• بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۸۳/۸/۱۱ دیدار جمعی از دانشجویان و دانش آموزان

• بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۱۲ در دیدار با کارگزاران نظام

• بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۴ در جمع اساتید، فضلا، طلاب حوزه ی علمیه قم در مدرسه ی فیضیه

• بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۱۷ در دیدار با معلمان و فرهنگیان سراسر کشور

• بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۹ در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی

• بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۷۶/۶/۱۹ در دیدار با جمعی از پرستاران

• بیانات رهبری در تاریخ ۹۱۳۹۲/۱۹ در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی

• بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۸۵/۰۸/۲۰ در دیدار با مردم شاهرود

• بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۸۵/۰۸/۲۰ در دیدار با مردم شاهرود

• بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۲۳ در دیدار با مسئولان انرژی اتمی و کارشناسان هسته ای

• بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۵/۰۸/۲۷ در دیدار با نخبگان علمی جوان

• بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۵/۰۷/۲۸ در دیدار نخبگان علمی جوان

• بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۲۸ در دیدار با نخبگان علمی جوان

• بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۶ در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت

• بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۶ در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت

• بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۲ در اجتماع مردم اسفراین

• بیانات رهبری در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۱۱ در دیدار با اقشار مختلف مردم